

جلسه دوم

- تعریف
- پیشینه
- برخی از اصطلاحات
- قسم مهمی از اخلاق

تعریف فلسفه اخلاق

◎ فلسفه اخلاق : علمی است که به تبیین مبادی، اصول و مبانی و علم اخلاق می‌پردازد

◎ بعضا مطالبی از قبیل تاریخچه، بنیان‌گذار، هدف، روش تحقیق و سیر تحول آن را نیز متذکر می‌شود. م

پیشینه فلسفه اخلاق

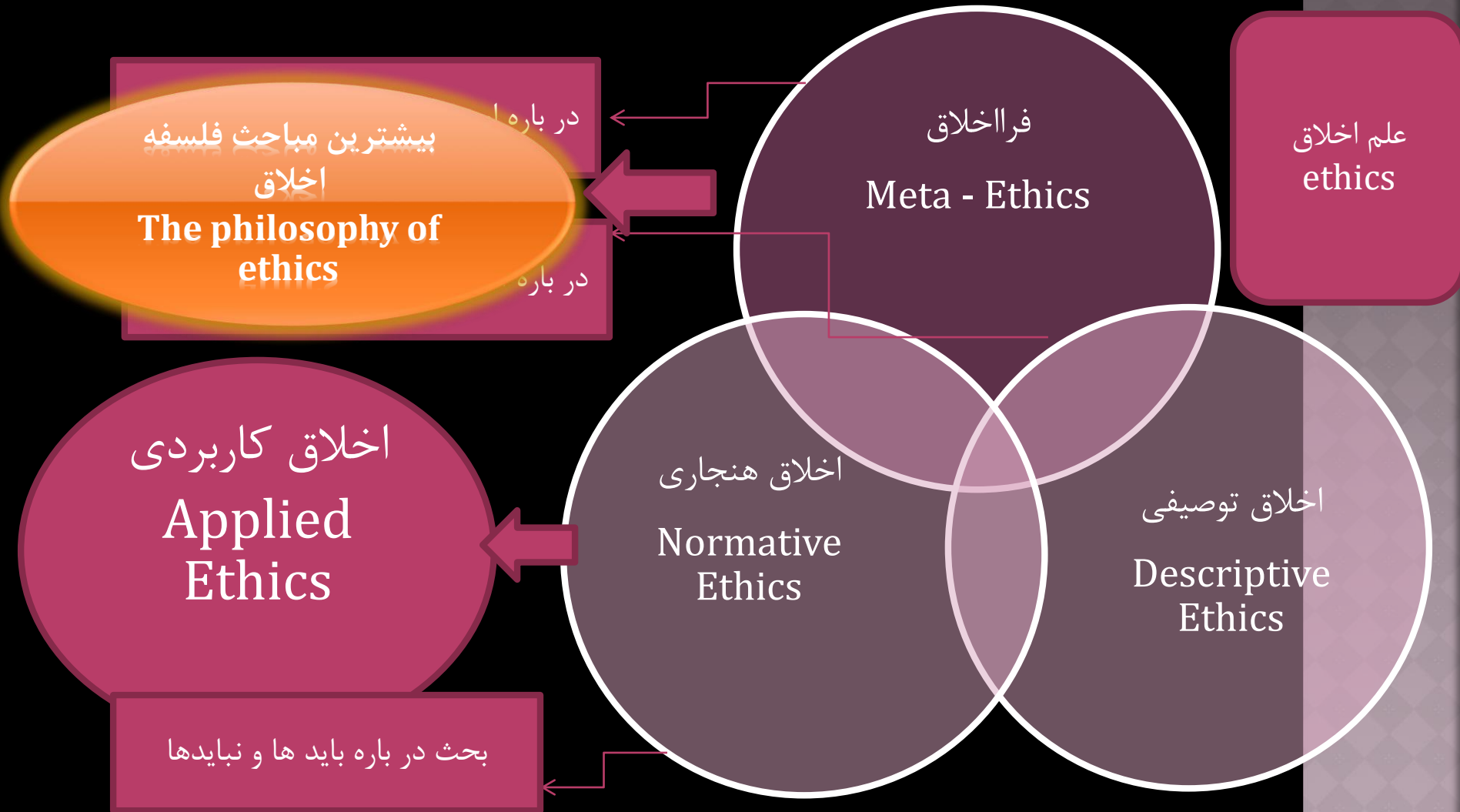
- افلاطون : مقدمات کار با مکالمات خود در باره اخلاق
- ارسطو: شروع رسمی فلسفه اخلاق
- اپیکوریان و رواقیون: سردمداران نگرش فلسفی به اخلاق بودند.
- آگوستین یکی از تأثیرگذارترین افراد بر فلاسفه اخلاق بود و با آراء خود به تبیین موضوعات فلسفه اخلاق از منظر مسیحیت کاتولیک پرداخت.
- دوران قرون وسطی: رشد فلسفه اخلاق در مسیر اخلاقیات مسیحی پیش می‌رفت. اخلاق رویکردی مبتنی بر فضیلت داشت.
- توماس آکویناس: اوج فلسفه اخلاق در قرون وسطی
- دوره رنسانس : انقلاب اسپینوزا در فلسفه اخلاق تغییر این رویکرد به اخلاق مبتنی بر کردار بود.
- باروخ اسپینوزا : قابل توجه‌ترین فلاسفه در دوره جدید.
- ایمانوئل کانت : در پایان دوران روشنگری بارزترین چهره فلسفه اخلاق طول تاریخ به شمار می‌آید. او مفهوم امروزی فلسفه اخلاق را ساخت.
- پس از کانت جان استوارت میل و آرتور شوپنهاور علم اخلاق را بیش از پیش متحول ساختند. در قرن بیستم نیز فلاسفه بزرگی در دو شاخه فلسفه تحلیلی و فلسفه قاره‌ای آثار مهمی از خود بر جای گذاشتند.

بیشترین مباحث فلسفه اخلاق

⊙ اسلام چه انگیزه و هدفی را برای انجام فعل اخلاقی برمی‌گزیند؟
⊙ ارتباط دین و اخلاق تا چه حدی است؟ در حد تقویت یا سلب و
ایجاب

⊙ در آن صورت فعل اخلاقی مطلوب و صحیح از غیر مطلوب و ناصحیح
متمایز خواهد شد.

بررسی برخی مفاهیم در علم اخلاق



علت توجه بی اندازه غرب به اخلاق

© در غرب شاهد دو دوره کاملاً متفاوت هستیم:

حوزه فراگیر کلیسا

قرون وسطی:

خروج فراگیر امور از حوزه کلیسا

رنسانس:

اخلاق بدون خداوند

اخلاق سکولار

Secular Ethics

موافقان اخلاق بدون خدا

André Gide

• نویسنده مشهور فرانسوی

• ۱۹۴۷ جایزه ادبی نوبل

• از جمله گفته های او:

• تأکید بر خروج امور از قدرت الهی

• ضرورت تقوا برای مرحله بی خدایی در اخلاق

• انتظار تقوا از خود به جای خدا

• اظهار تأسف کانون نویسندگان فرانسه از گفته های او در کتاب

«اگر دانه بمیرد»



اخلاق بدون خدا و برخی از اندیشمندان غربی

داستایوسکی:

اگر واجب الوجود نباشد، هر کاری مجاز است.



سارتر:

عدم فرض واجب الوجود در امور اخلاقی امری
راحت بخش نیست.



نقد اخلاق بدون خدا

© اشکال پراگماتیستی : خود مشکلات بعدی اخلاق بدون خدا سبب نمی شود که تأمل کنیم و این طور قضاوت کنیم که دست کم اگر می دانیم خدایی هست، قبولش در زندگی تأثیرگذار است و در ابعاد مختلف زندگیمان دخالت دارد:

آیا ممکن است در زندگی فقط برای یک توهم احمقانه این همه افراد با این همه وسعت از تأثیرات در زندگی وجود داشته باشد.

© اشکال منطقی: اگر خدایی هست و مخلوقاتی دارد. می تواند هیچ تأثیری (به لحاظ معرفتی و عملی) در زندگی اخلاقی آن ها نداشته باشد. بحث حکمت و عبثیت در کلام اسلامی مطرح می شود.